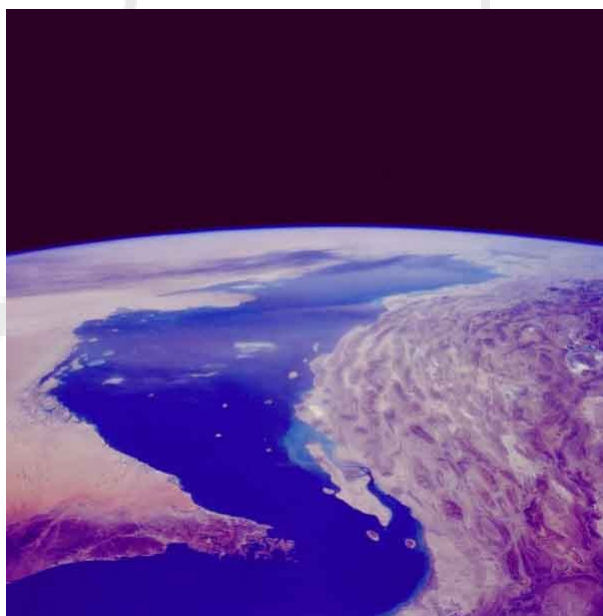


خلیج فارس در آینه تاریخ

در طول تاریخ، خلیج فارس نه تنها بخشی از خاک ایران محسوب می‌شده و حاکمیت آن در دست ایرانی‌ها بوده است، بلکه به اذعان تمام منابع تاریخی موجود این پهنه آبی با عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج عجم،



دریای فارس و یا بحر فارس شناخته شده است.

نام خلیج فارس از جمله نام‌های تاریخی است که از گذشته بسیار دور تاکنون در اسناد، قراردادهای و مکاتبات مورد استفاده همه اقوام و ملت‌های دور و نزدیک آن، از فارس و عرب، ترک و هندی تا اروپاییان قرار داشته است. از این رو خلیج فارس به

عنوان مهمترین گذرگاه نفتی جهان با موقعیت تمدنی ایران پیوندی تنگاتنگ داشته و دارد.

با این حال در دهه‌های گذشته برخی از همسایگان در اقدامی که با روح همزیستی مسالمت‌آمیز ملل و فرهنگ‌های منطقه ناسازگار بوده است، به جای استفاده از نام معتبر «خلیج فارس»، نام خلیج عربی یا خلیج را به کار گرفته‌اند و اخیراً نیز علاوه بر کشورهای عربی پاره‌ای از سازمان‌ها، ارگان‌ها، خبرگزاری‌ها یا مجلات و رسانه‌های بین‌المللی به این نامگذاری مجعول روی آورده‌اند.

با توجه به اینکه کوشش‌های ملی‌گرایان افراطی عرب برای تغییر نام «خلیج فارس» به «خلیج عربی» در سطح بین‌المللی از هیچ گونه پایه و اساس علمی برخوردار نیست، کوشش آنها تنها وحدت واقعی جهان اسلام را به مخاطره می‌اندازد. بعضی کشورهای عربی که در تقابل با ایران به سر می‌برند، در قبال نام خلیج فارس به دنبال منافع خود هستند و در این بین وحدت جهان اسلام را نادیده می‌گیرند. این عمل در شرایطی صورت می‌پذیرد که نیروهای فرامنطقه‌ای حضور روز افزون خود را با استفاده از همین گونه تنش‌ها و اختلافات تثبیت می‌کنند.

در این نوشتار ضمن تشریح موقعیت استراتژیکی خلیج فارس، به بررسی تبارشناسانه نام خلیج فارس و چگونگی شکل‌گیری ادعاهای واهی اعراب در استفاده از نام جعلی خلیج یا خلیج عربی خواهیم پرداخت.

جغرافیای طبیعی و راهبردی خلیج فارس

خلیج فارس، شیار هلالی شکلی است که بیش از یک چهارم ذخایر فسیلی جهان را در خود جای داده و از طریق دریای عمان به اقیانوس هند و آب‌های آزاد راه می‌یابد. این خلیج طولی نزدیک به 900 کیلومتر و پهنایی نزدیک به 240 کیلومتر دارد و در کشاله و چین‌خوردگی‌های پست و فرو افتاده جنوب زاگرس پدید آمده است.

خلیج فارس به عنوان شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند که بر سر راه کلیه خطوط دریائی در مشرق عدن واقع شده است، مانند دالانی است که بین 24 دقیقه 30 درجه عرض شمالی و 48 دقیقه 50 درجه طول شرقی واقع شده است. حدود آن از شمال و شمال خاوری به سواحل ایران، از شرق به دریای عمان، از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود است. رودخانه‌های دجله و فرات و کارون و کرخه که از جبال ارمنستان و ترکیه سرچشمه گرفته‌اند، به انضمام رودخانه‌های جراح، هندیان و رودهای کوچک دیگر به این دریا می‌ریزند.

آب‌های خلیج فارس کم عمق و زیر بستر آن دارای منابع نفت و گاز (هیدروکربن) فراوان است. این عمق در دهانه خلیج 70 تا 90 متر است و هر قدر به طرف بالای خلیج می‌رود کمتر می‌شود و به مسافت 90 کیلومتری تا دهانه شط به 30 متر می‌رسد. عمق خلیج فارس در بیشتر

موارد از 50 متر تجاوز نمی‌کند و حداکثر عمق آن به حدود صد متر می‌رسد. این امر به سادگی امکان حفاری و استخراج منابع آن را فراهم می‌سازد. در صیدگاه‌های مروارید عمق خلیج فارس کمتر از 36 متر است. مساحت خلیج فارس 97 هزار مایل مربع است و طول آن از سواحل عمان تا رأس دریا در حدود 50 مایل و عرض آن در مناطق گوناگون میان 29 تا 180 مایل است.¹

حاشیه خلیج فارس شامل کشورهای ایران، عراق، کویت، بحرین، عربستان، قطر، امارات و عمان می‌شود و در این بین بیشترین ساحل خلیج فارس که قابلیت کشتیرانی نیز دارد، تحت حاکمیت ایران می‌باشد. خلیج فارس به مثابه يك راه آبی و دریایی از آغاز تاریخ موقعیت برجسته سیاسی داشته است و به نوعی خاستگاه تمدن‌های بزرگ خاور باستان با پیشینه‌ای چند هزار ساله است. از قرن‌ها پیش عیلامی‌ها از بندر بوشهر و جزیره خارک برای سکنا و کشتیرانی و حکمفرمایی بر سواحل خلیج فارس و بازرگانی با هند غربی و دره نیل استفاده می‌کردند.

اکثر مورخان یونانی - از جمله هرودوت - معتقدند که بابلی‌ها وسائل مورد نیاز خود را که از عربستان و هندوستان تهیه می‌کردند، از طریق خلیج فارس حمل می‌نمودند. به لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی نیز بابل در حوالی خلیج فارس در کنار دجله و فرات قرار گرفته بود و سه دریای فارس، هند و اسود را به هم مرتبط می‌ساخت. همچنین هرودوت و استرابون تأکید

می‌کنند که در این نواحی مراکز مهم تجارتي وجود داشته است.² هم اکنون نیز خلیج فارس مهم‌ترین آبراه بین‌المللی جهان است که بیش از 50 درصد انرژی جهان در آن نهفته است. 3 خلیج فارس و کشورهای ریز و درشت پیرامون آن (ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان) نزدیک به 10 درصد از گستره 44 میلیون کیلومتر مربع قاره آسیا را در بر می‌گیرند.

خلیج فارس در مقام محل و معبر مبادله کالا و تجارت میان شرق و غرب؛ نه تنها از زمان‌های دور صحنه رقابت و کشمکش‌های ملل ذینفع و متجاوزان و استعمارگران بوده است بلکه همیشه و بیش از هر دریای

دیگری مورد توجه علمای معرفه‌الارض و باستان‌شناسان و مورخان و جغرافیا نویسان قرار داشته است.

پیشینه تاریخی

بنابر مدارك متقن، خلیج فارس از هزاران سال پیش نه توسط ایرانیان، بلکه توسط ملت‌هایی که با ایرانیان مراوده داشته‌اند، از جمله یونانیان و رومیان با عنوان «دریای پارسی» نامیده شده است. عرب‌ها نیز قرن‌ها آن را «خلیج فارس» یا «بحر فارس» نامیده‌اند. خلیج فارس با همین نام طی هزاران سال گذشته شناخته شده و تمامی کشورها و اقوام مختلف از جمله اعراب از این نام استفاده کرده‌اند.

تمام متون قدیمی جغرافی جهان از نقشه‌های هکاتیوس و بطلمیوس تا آثار جغرافیدانان و جهانگردان مسیحی و مسلمانان، شعبه‌ای بزرگ از اقیانوس هند را که از جنوب ایران به موازات بحر احمر تا قلب دنیای قدیم پیش رفته است، خلیج فارس یا دریای فارس نامیده‌اند.

از سده‌های هفتم و هشتم پیش میلاد تمام عالمان از جمله آناکسی ماندرا، هکاتوس، هرودوت، اراتوستن، هپارک، پومپونی مله، کراتس مالوس، استرابون، بطلمیوس، میکروپیوس، ایزیدورسویلی، محمد بن موسی الخوارزمی، ابوزید بلخی، ابن سراجیون، ابن رسته، ابن فقیه، قدامه، ابن فضلان، ابن خردادبه، مسعودی، استخری، ابن حوقل، مقدسی،

ناصر خسرو، ادریسی، جیحانی، فرازی، بیرونی، ابن جبیر، یاقوت، قزوینی، مستوفی، ابن بطوطه، حافظ، شرف‌الدین علی یزدی، ابوالغازی و ...

دریای جنوبی ایران را تحت اسامی و عناوینی نظیر خلیج فارس، خلیج پارس، دریای فارس، بحر الفارس، بحر فارس، سینوس پرسیکوس، 4 ماره پرسیکوس، 5 گلف پرسیک، 6 پرژن گلف (گالف)، 7 پرزشیر گلف، پرسیس 8 یا پرسیکوس، 9 نامیده‌اند.

بررسی و بازنمود اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خلیج فارس و جزایر آن پس از اسلام تا برهه تجاوز پرتغالی‌ها و تشریح وضعیت آن از عصر صفویه تا امروز مبحثی عظیم می‌طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است. در ادامه به بررسی سندیت نام خلیج فارس از میان منابع تاریخی - جغرافیایی ایرانی، یونانی، اسلامی، غربی و اسناد حقوقی

خواهیم پرداخت.

1- منابع ایرانی:

خلیج فارس طبق اسناد موجود از هزاره هشتم پیش از میلاد مورد استفاده تجاری و نظامی ملل دنیای قدیم قرار گرفته است. در سنگ نبشته داریوش هخامنشی در مصر متعلق به سال 518 تا 505 پیش از میلاد، که هنگام حفر کانال سوئز به دست آمده است، در عبارت «درایه تپه هچا پارسا آپی تی هنی» به معنای دریایی که از پارس می‌رود یا سر می‌گیرد، نام دریای پارس آمده است.

ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را «پارسا درایا» یا دریای پارس می‌خواندند. در کتیبه‌هایی که از داریوش در تنگه هرمز نیز یافت شده، عبارتی پیرامون دریایی که از «پارس‌رود» سرچشمه می‌گرفته است به چشم می‌خورد.

در کتاب حدود العالم به عنوان قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی که حدود هزار سال قبل تألیف شده است آمده است: «خلیج پارس از حد پارس برگردد، با پهنای اندک تا به حدود سند.» می‌توان گفت از هنگامی که بشر تاریخ‌نویسی را آغاز کرد دریای جدا کننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان را «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده است. و در هیچ یک از این ادوار تاریخی نام دیگری به آن نهاده نشده است.

2 - منابع یونانی

طبق نوشته مورخان و جغرافی‌نگاران یونانی که پیش از میلاد مسیح می‌زیسته‌اند چون هرودت (484 - 425 ق. م) کتزیاس (445 - 380 ق. م)، گزنفون (430 - 352 ق. م) استرابن (63 ق. م - 24 م)، یونانیان نخستین ملتی هستند که به این دریا نام پرس و به سرزمین ایران پارسه، پرسای، پرس‌پولیس، یعنی شهر یا مملکت پارسیان داده‌اند. نئارخوس، سردار مقدونی نیز موجب اشتهار دریای مکران و پارس شده است. وی در سال 326 ق. م به دستور اسکندر مقدونی، از رود سند

گذشت و دریای مکران و خلیج فارس را با کشتی طی کرد و تا دهانه آن پیش رفت.

«هکاتیوس هلطی» از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال 475 قبل از میلاد از نام دریای پارس استفاده کرده است. در نقشه‌های باستانی از قول هرودوت و گزنفون به این دریا، دریای پارس 10 اطلاق شده است.

کلودیوس پتوله ماوس (بطلمیوس)، جغرافی‌نگار، نقشه‌نگار و ریاضی‌دان مشهور قرن دوم میلادی، در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته شده، و هم‌چنین در نقشه‌ای که کشیده، از خلیج فارس با نام پرسیکوس سینوس یاد کرده است.

«کوبین توس کوروسیوس روفوس» مورخ رومی که در قرن اول میلادی می‌زیسته این دریا را دریای پارس یا آبگیر فارس خوانده است. همچنین در کتاب‌های جغرافیایی لاتین، آب‌های جنوب ایران (دریای مکران و خلیج فارس) را ماره پرسیکوم یعنی دریای پارس نوشته‌اند.

بنابراین مورخان و جغرافی‌نگاران یونانی پیش از میلاد در شرح وقایع تا سده 7 ق. م یعنی سقوط حکومت عیلام و تشکیل حکومت ماد و روی کار آمدن هخامنشیان دریای مکران و خلیج فارس را دریای پارس می‌خواندند.

3- منابع اسلامی

پس از فتح ایران توسط اعراب در سده هفتم پس از میلاد، تلاشی برای تغییر نام «دریای پارسی» صورت نگرفت. اعراب مسلمان، عموماً این خلیج را «بحر الفارسی» (دریای پارسی) می‌نامیدند و این نام از سوی امپراتوری‌های ایرانی، ترک و عربی هم که در 1200 سال بعد منطقه را تحت سلطه خود داشتند مورد احترام قرار گرفت.

محققان اسلامی نظیر استخري، مسعودي، بیروني، ابن حوقل، مقدسي، مستوفي، ناصر خسرو، الطاهرین مطهر المقدسي (بشاري)، ابوالقاسم بن محمد بن حوقل و ... که مطالعه در اطراف این دریای ایرانی را تا قرن 15 ادامه دادند، در آثار و نوشته‌های خود از آب‌های جنوب ایران به نام‌های بحر فارس، البحر الفارسی، بحر مکران، الخلیج الفارسی و خلیج فارس یاد

کرده‌اند. حتی از این جغرافی‌دانان نقشه‌هایی موجود می‌باشد که اقیانوس هند را البحر الفارسی نام گذاشته‌اند.

جغرافی‌دانان عرب و اسلامی این نام را از دو تمدن باستانی گرفتند و همزمان مورد استفاده قرار دادند. بدین ترتیب که «پارسا درایای» ایرانی را «بحر فارس»¹¹ و «سینوس پرسیکوس»¹² یونانی را «خلیج فارس» می‌نامیدند و حتی منظور از دو دریا در سوره‌الرحمن قرآن مجید را نیز همان دریای فارس و دریای متوسط می‌دانستند.

ابوعلی احمد بن عمر معروف به ابن رسته در کتاب الاعلاق النفسیه که در سال 290 هجری به رشته تألیف درآورده، تصریح می‌کند: «فاما البحر الهندي يخرج منه خليج الي ناحيه فارس يسمي الخليج الفارسي». «اما از دریای هند خلیجی بیرو می‌آید به سمت سرزمین فارس که آن را «خلیج فارس» می‌نامند.»¹³

به گفته جرجی زیدان تاریخ‌دان عرب، «بحر فارس» محدود به آب‌هایی می‌شود که دنیای عرب را دور می‌زند. جرجی زیدان می‌گوید: «بحر فارس - ویراد به عندهم كل البحور المحيطيه ببلاد العرب من مصب ماء دجله في العراق الي ايله فيدخل فيه مانعبر عنه اليوم بخليج فارس و بحرالعرب و خليج عدن و البحر الاحمر و خليج عقبه...». «دریای فارس - نزد آنان مقدم بر همه دریاهایی که سرزمین‌های عرب از مصب آب دجله گرفته تا ایله را احاطه می‌کند، به عنوان دریای فارس تعبیر می‌شده و از آن جمله است آنچه را که ما امروز از آن به «خلیج فارس» و دریای عرب و خلیج عدن و دریای سرخ و خلیج عقبه تعبیر می‌شده و از آن جمله است آنچه را که ما امروز از آن به «خلیج فارس» و دریای عرب و خلیج عدن و دریای سرخ و خلیج عقبه تعبیر می‌کنیم.»¹⁴

محمد عبدالکریم صبحی نیز در کتاب «علم الخرائط» در نقشه‌هایی که با ترجمه عربی نقل کرده است، دریای جنوب ایران را «الخليج الفارسي» و «بحر فارس» نامیده است.¹⁵

نقشه‌های فراوانی که از این قرون در دست است، علاوه بر تأکید و تأیید نام خلیج فارس، دگرگونی یاد شده در تغییر نام بحر فارسی و دگرگونی در دایره شمول این نامها را ترسیم می‌کنند.

4- منابع غربي:

بیشتر کسانی که در مورد دریای پارسی و دریای مکران مطلب نوشته‌اند بیگانگان و به ویژه انگلیسی‌ها بوده‌اند، زیرا به لحاظ موقعیت ویژه‌ای که در این منطقه داشته‌اند کوشیده‌اند تا حقیقت نهفته بماند و نام‌های جعلی و ناقص جای اسامی درست را بگیرد. اما منابعی از آن‌ها بجای مانده است که بر صراحت نام خلیج فارس تکیه می‌کنند.

در سال 1892، لرد کرزن، وزیر خارجه انگلستان، در کتاب «ایران و قضیه ایران» مکرراً به نام خلیج فارس اشاره کرده است.

ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، در گزارش مورخه 1971 میلادی خود در مورد سیاست خارجی این کشور از نام خلیج فارس استفاده کرده است.

در فرهنگ‌هایی که به زبان‌های مختلف تدوین و چاپ شده است، از جمله فرهنگ‌های آلمانی، انگلیسی، امریکایی، فرانسوی، ترکی و ... خلیج فارس نیز به همین نام آورده شده است.

امروزه در میان آثار اعراب نیز بحر فارس به فراموشی سپرده شده و از ترکیب خلیج فارس استفاده می‌شود. یکی از معروف‌ترین دایره‌المعارف‌های دنیا یعنی المنجد، سند قاطعی برای مراجعه است که از ترکیب خلیج فارس بهره برده است.

5- اسناد حقوقی

الف (اسناد

دلایل و مستندات حقوقی معتبری درباره اصالت نام خلیج فارس وجود دارد که به قرن 16 میلادی باز می‌گردد. طی سال‌های 1507 تا 1560 در کلیه موافقت‌هایی که پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، هلند، فرانسه، آلمان با دولت ایران داشتند حتی در متون عربی نیز از عبارت «خلیج الفارسی» و در متن انگلیسی «پرشین گلف» استفاده شده است.

از جمله این اسناد استقلال کویت است که میان امیر این کشور و نمایندگان بریتانیا منعقد شده است. این سند که توسط عبدالسالم الصباح

نیز امضا شده است، چنین آغاز می‌شود: «حضرت صاحب الفخامه الفخیم
السیاسی لصاحبه اجلاله من الخلیج فارسی المحترم ...»

ب) سازمان ملل متحد:

سازمان ملل متحد تا به حال دو بار نام تاریخی و اصیل این آبراه را «خلیج فارس» اعلام کرده است. سازمان ملل خلیج فارس را نامی تازه می‌داند که از آغاز قرن بیستم جانشین نام کهن دریای پارس شده و بیش از دریای فارس مورد استفاده قرار گرفته است.

دبیرخانه این سازمان در سند مورخ 5 مارس سال 1971 میلادی و یادداشت (AD311/GEN) به دولت ایران یادآور می‌شود که بنابر عرف جاری در دبیرخانه سازمان ملل متحد در اسناد و نقشه‌های جغرافیایی، منطقه آبی بین ایران از سمت شمال و خاور و تعدادی از کشورهای عربی از سوی جنوب و باختر به نام خلیج فارس نامیده می‌شود، و این بنا بر عرف قدیمی انتشار اطلس‌ها و فرهنگ‌های جغرافیایی است. دومین بیانیه به تاریخ دهم آگوست 1984 ثبت شده است و در هر موقعیت، همه 22 کشور عربی نیز اسناد سازمان ملل را امضا کرده‌اند. این دبیرخانه همچنین بابت اشتباهاتی که سازمان ملل در برخی اسناد در به کار بردن نام خلیج فارس مرتکب شده، عذرخواهی کرده آن را اشتباه سهوی دانسته (سند 26 ژوئن 1991 میلادی در سازمان ملل) و از کارگزاران سازمان خواسته است که همواره این موضع ایران را در نظر داشته باشند. ضمن اینکه کنفرانس سالیانه سازمان ملل درباره هماهنگی در مورد نام‌های جغرافیایی نیز هر سال بر نام خلیج فارس تأکید کرده است.

ادعاهای واهی

چندین دهه از کوشش‌های برنامه‌ریزی شده اعراب برای تغییر نام تاریخی خلیج فارس می‌گذرد. آبراهی که ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌سازد بر اساس تمام اسناد تاریخی-جغرافیایی، نقشه‌های موجود از یونان باستان تا دوره معاصر و همچنین بیانیه‌های سازمان ملل متحد،

«خلیج فارس» نام دارد و حتی در تمام نوشته‌ها و نقشه‌های عربی که پیش از دهه 1960 به چاپ رسیده است از عنوان «الخلیج الفارسی یا بحر فارس» استفاده شده است. صحت ادعای فوق حتی در بخشی از سرود ملی قدیمی مصر نیز دیده می‌شود که در آن از خلیج فارس یاد شده و مرزهای اعراب را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه ترسیم نموده است: «حدود نامن الخلیج الفارسی حتی بحر الابيض».

موضوع تغییر نام خلیج فارس از دهه سوم قرن بیستم به دنبال سیاست فارسی‌زدایی انگلیسی‌ها در منطقه خلیج فارس مطرح شد. هدف اصلی سیاست یاد شده توسعه سرزمین انگلستان در منطقه خلیج فارس بود مانع اصلی این سیاست را باید هویت ایرانی دانست که سالیان دراز بر منطقه خلیج فارس سایه افکنده بود. 16

اصطلاح «خلیج عربی» برای اولین بار از سوی یک دیپلمات بریتانیایی در منطقه خلیج فارس عنوان شد. «سرچارلز بلگریو» که بیش از سه دهه نماینده سیاسی دولت بریتانیا در خلیج فارس بود، پس از مراجعت به لندن در سال 1345 هجری خورشیدی کتابی درباره سواحل جنوبی خلیج فارس منتشر کرد و در آن برای نخستین بار از عنوان تازه و جعلی خلیج عربی استفاده نمود. چارلز بلگریو در کتاب خود با عنوان «ساحل دزدان» - نامی که پیشتر به سواحل جنوبی خلیج فارس اطلاق می‌شد - ادعا نموده بود که اعراب علاقه‌مندند خلیج فارس را خلیج عربی بنامند. بدین ترتیب بلافاصله پس از انتشار کتاب، استفاده از اصطلاح جعلی خلیج عربی در مطبوعات آغاز شد و پس از چندی در مکاتبات رسمی کشورهای حاشیه خلیج فارس، نام خلیج عربی 17 به جای خلیج فارس 18 نشست.

اگر چه دولت ایران در همان زمان در قبال این عمل واکنش نشان داد و از قبول محموله‌هایی که نام «خلیج عربی» را به خود داشت خودداری می‌نمود، اما دیپلمات بریتانیایی - در راستای سیاست قدیمی تفرقه بینداز و حکومت کن - کار خود را کرده بود و اعراب را با واژه تازه‌ای آشنا نموده بود که بیش از پیش به جنگ لفظی عرب و عجم دامن می‌زد. از این رو دولت‌های حاشیه‌ای خلیج فارس تبلیغات سیاسی، مکاتبات دیپلماتیک و محور برنامه‌های آموزشی خود را بر نام خلیج عربی متمرکز نمودند.

در اقدامی دیگر از سوی انگلیسی‌ها، روزنامه تایمز لندن در سال 1962 در یکی از مقالات خود از خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کرد و از آن زمان به بعد برخی از دولت‌ها و شیخ‌نشینان عرب با خریدن روزنامه‌نگاران و خبرنگاران خارجی و یا با پرداخت مبالغ هنگفت به چاپ نقشه‌هایی که خلیج فارس را خلیج عربی نشان می‌داد مبادرت نمودند. این تحرکات ابتدا از سوی چهره‌هایی چون عبدالکریم قاسم در عراق و سپس توسط جمال عبدالناصر رهبر جنبش ملی جهان عرب در مصر ادامه یافت. در سال 1958 سرهنگ عبدالکریم قاسم با کودتایی در عراق به حکومت رسید و پس از مدتی داعیه‌دار رهبری جهان عرب گردید. در راستای چنین اندیشه‌ای از تاکتیک دشمن‌تراشی برای تحریک احساسات عمومی ملی سود جست و برای نخستین بار «خلیج فارس» را به نام جعلی «خلیج عربی» خواند. قاسم که با این عمل قصد داشت با مطرح نمودن ایران به عنوان دشمن اصلی اعراب، توجه جهان عرب را از قاهره به بغداد جلب کند و به رهبری خود در جهان عرب دامن زند، با شکست مواجه شد. به شهادت اسنادی که در همان دوران در عراق و حتی از سوی دانشگاه بغداد چاپ و منتشر شد، قاسم حتی نتوانست توجه مقامات رسمی دانشگاهی عراق را نیز به خود جلب نماید.

سرهنگ جمال عبدالناصر رهبر جنبش ملی جهان عرب در مصر که در نظریه وحدت عربی خود، دنیای عرب را از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس «من المحيط الاطلسي الي الخليج الفارسي» نامیده بود، دیری نپائید که با اوج‌گیری هیاو و جنجال پان عربیسم خود، 19 و برای سرپوش گذاشتن بر شکست‌های اعراب از اسرائیل 20 از نام ساختگی خلیج عربی سود جست. ناصر با طرح چنین سیاستی دو هدف عمده را پیگیری می‌کرد. نخست زنده کردن تعصبات نژادی اعراب و سپس رویارویی با شاه ایران که با اسرائیل روابط خوبی برقرار کرده بود.

دولت ناسیونالیست مصر که با دامن زدن به چنین مسائلی سعی در قوام و دوام بخشیدن به اتحادیه عرب داشت، از شیخ‌نشین‌های بحرین، قطر، دوبی، ابوظبی، شارجه و سلطان‌نشین عمان نیز درخواست نمود که در راه آرمانهای مشترک ملت عرب و رفاه عمومی منطقه با جمهوری عربی

متحدہ 21 همکاری نمایند. از این رو در 23 مرداد 1342 کمیسیون اتحادیه عرب در شیخ نشین های خلیج فارس برای نخستین بار نام خلیج عربی را در یک سند رسمی ذکر نموده و به دنبال آن اتحادیه عرب تصمیم گرفت این نام مجعول را در برنامه های درسی کلیه کشورهای عضو اتحادیه و مکاتبات رسمی به کار گیرد. 22

با این حال مقاصد اعراب از تغییر نام خلیج فارس فراتر می رفت و شامل استان نفت خیز خوزستان نیز می شد که آن را عربستان می نامیدند. اعراب خوزستان را بخشی از سرزمین عربی می دانستند که رضاشاه با حمایت و پشتیبانی انگلستان از جنگ اعراب خارج ساخته است در این راستا در 11 دسامبر 1964 کنفرانس حقوق دانان عرب، خوزستان را جزو لاینفک میهن عربی دانست و در 10 نوامبر 1965 رژیم بعثی سوریه این ادعا را پذیرفت و از آن پشتیبانی کرد. 23 در واقع پشت کلمه خلیج عربی، جزایر عربی، خوزستان عربی (عربستان)، حکم فرمایی بر تنگه هرمز و تبدیل کردن ایران به زائده جهان عرب نهفته بود. 24

اگر چه تلاش های ناصر برخی از سیاستمداران عرب را نیز با وی همراه کرده بود اما در نهایت نتیجه دلخواهی در پی نداشت. زیرا رستاخیز عرب آنطور که ناصر در رویای خود مجسم کرده بود، با واقعیات فاصله های زیادی داشت. علت اصلی آن نیز عدم انسجام و یکپارچگی دولت های عربی بود. در واقع ملتی که ناصر از آن دم می زد، چیزی جز تخیل نبود. 25 تلاش های قاسم و ناصر در جهان عرب با قدرت یافتن صدام حسین در عراق بار دیگر توسط او ادامه یافت. صدام که در وهله نخست صدها میلیون دلار هزینه کرده بود تا با کمک گروهی روزنامه نگار، دانشگاهی، ناشر و مرکز نقشه سازی، نام خلیج فارس را تغییر دهد؛ در پی وقوع انقلاب اسلامی در ایران دست به تجاوز به خاک ایران زد. هشت سال جنگ تحمیلی که با ادعاهای واهی صدام مبنی بر حاکمیت بر اروندرود و عربی خواندن خوزستان و شهرهای دیگر ایران آغاز شده بود، در نهایت با شکست عراق خاتمه یافت. در واقع نتیجه عملی این تجاوز، افزایش حساسیت ایرانیان بر نام خلیج فارس بود که در پی آن ایرانیان استفاده از نام خلیج عربی را نوعی ستیز با ایرانیت و تجاوز به تاریخ ایران قلمداد

نمودند.

پس از جنگ دوم خلیج فارس و تهاجم عراق به کویت در سال 1991، نفوذ نظامی ایالات متحده بر منطقه بیشتر شد و دیری نپائید که امریکایی‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران به رودر رویی کشورها و شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس با ایران دامن زدند. از این رو شیخ‌نشین‌های شارجه و ابوظبی در مقابل ایران قرار گرفتند و به طرح ادعاهای واهی نسبت به مالکیت جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ) پرداختند. شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، صدها میلیون دلار برای تغییر نام خلیج فارس و تردید آفریدن بر مالکیت مطلق ایران بر جزایر سه گانه هزینه کرد ولی گذشت زمان به او نشان داد که در این زمینه به موفقیتی دست نخواهد یافت. اگر چه ادعای «شورای همکاری خلیج فارس» در بیست و پنجمین نشست سران کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در بحرین نام شورای همکاری کشورهای خلیج فارس را به شورای همکاری کشورهای خلیج عربی (مجلس التعاون لدول الخليج العربیه) تغییر دادند؛²⁶ اما به نظر می‌رسد سیاست ایرانی‌زدایی و فارسی ستیزی اعراب، با توجه به تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس و حساس‌ترین نقاط استراتژیک و ژئواکونومیک آن به ایران راه به جایی نخواهد برد. در واقع همانگونه که تلاش برای کنار گذاردن و یا نادیده انگاشتن ایران از ساختار امنیتی منطقه بی‌ثمر می‌باشد، تغییر نام خلیج فارس نیز ناممکن می‌نماید.

با این حال نباید از خاطر برد که اعراب در طول سالیان و دهه‌های اخیر تبلیغات گسترده‌ای را به منظور تغییر نام خلیج فارس آغاز کرده‌اند. آنها در حالی نام شرکت‌های هواپیمایی، روزنامه‌ها، مجلات، شرکتها و بسیاری از چیزهای دیگر را بنام خلیج یا خلیج عربی تغییر داده‌اند که نام «خلیج فارس» در برگیرنده هزاران سال تاریخ است و عدم استفاده از آن، بی‌ارزش ساختن پیشینه و تمدن‌هایی است که پیرامون آن بالیده‌اند. به کار بردن نام جعلی «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس» عنوان «شیخ شعیب» برای «جزیره لاوان»، «قیس» برای جزیره «کیش» - و «شط العرب» برای «اروند رود» از جمله مواردی است که علیرغم

مسلمان بودن مردم منطقه، به منازعات هویتی و قومی میان کشورها
دامن می‌زند. زیرا تغییر نام‌های کهن جغرافیایی، تحریف واقعیت‌های
تاریخی و جعل هویت‌های موجود است. شعیب بهمن

پی‌نوشت‌ها:

1. برای مطالعه بیشتر در مورد ژئوپلیتیک خلیج فارس رجوع کنید به:
پیروز مجتهدزاده، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس،
ترجمه: حمیدرضا ملک، محمد نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی، 1382.
2. هرودوت، تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، دانشگاه تهران، جلد
اول، صص 58-40.
3. 565 میلیارد بشکه نفت (65 درصد از ذخایر نفتی دنیا) و 30/7 تریلیون
متر مکعب گاز در خلیج فارس می‌باشد.
4. Sinus Persicus
5. Mare Persicum
6. Sinus Persicus
7. Mare Persicus
8. Gulf Persique
9. Persis Gulf
10. Persis
11. Persicus
12. Sinus Persicus
13. ابوعلی احمد بن عمر (ابن رسته)، العلاقات النفسیه، جلد هفتم، ص 84.
14. علیرضا باوندیان، خلیج همیشه فارس در آینه دآوری تاریخ، باشگاه
اندیشه، 12/11/1383.
15. همان.
16. پیروز مجتهدزاده، دروغي از آن سوي خلیج فارس، ماهنامه زمانه، 29
دی 1383.
17. Arabian Gulf
18. Persian Gulf

19. در دوران حکومت «جمال عبدالناصر» و گسترش ایدئولوژی «پان عربیسم» در جهان عرب نفوذ معنوی و تاریخی مصر عمق بیشتری یافت و در این میان جنبش‌های متعددی نیز در کشورهای عربی پا گرفت که از ناسیونالیست‌های افراطی تا اسلامگرایان بنیادگرا رادر بر می‌گرفت.
20. در جنگ ژوئن سال 1967 کشورهای عرب در مدت 6 روز از اسرائیل شکست خوردند. شکست اعراب و از دست دادن نقاط استراتژیک سرزمین فلسطین - غرب رود اردن و باریکه غزه - و اشغال بخشی از دو کشور عربی (سوریه و مصر) توسط اسرائیل آنچنان برای اعراب تحقیرآمیز بود که هیچ گاه نتوانستند خاطره تلخ آن را به فراموشی بسپارند.
21. جمهوری عربی متحده از اتحاد مصر و سوریه و یمن بوجود آمد. لیبی نیز پس از مرگ ناصر به این اتحاد پیوست.
22. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان، 1380، ص 349.
23. روزنامه کیهان، 23 آذر 1343.
24. احمد میرفندرسکی، در همسایگی خرس، تهران: پلیکان، 1382، ص 206.
25. همان، ص 147.
26. خبرگزاری کار ایران (ایلنا).